**معنای انتظاری که شهید را در بر می گیرد**

**در رثای شهید روح‌الله عجیمیان**

باید دوید و باز هم دوید و اگر در این شرایط تاریخی کس دیگری را هم نیافتید و تنها ماندید، بدانید در این راه حتی از تنهایی خود هم لذت می‌برید، زیرا در راهی هستید که رنگ توحید دارد. دویدنی شبیه دویدن حضرت یوسف در راهی که راه اطاعت از حضرت حق و دورشدن از معصیت الهی بود. دویدنی که تنها در مسیر دویدن، درهای بسته گشوده می‌شود. مثل آن‌که برای شهید شهریاری گشوده شد و اورانیوم 20٪ را تهیه کرد. پس:

|  |  |
| --- | --- |
| چون‌که رخنه نیست در عالم پدید | خیره یوسف‌وار می‌باید دوید |

دویدن در مسیر توحید، عشقی را به انسان عطا می‌کند که در جای دیگر نمی‌توان آن را تجربه کرد. هیچ ماندنی ما را به این عشق نمی‌رساند. آیا در این حالت این ما نیستیم که با نظر به جهان مدرنیته با خود خواهیم گفت: آیا در جهان مدرنی که هم‌اکنون روشن شده که ناقص است، ما در این جهان چه اندازه می‌توانیم در آرامش به‌سر ‌بریم؟ در حالی‌که با حضور در تاریخی که با انقلاب اسلامی به ظهور آمده، چون به خود آییم با خود خواهم گفت: روان‌مان چه اندازه بیدار شده، سبک‌بارتر از یک پَر. این جهان چه اندازه گشوده است و چرا شهدا این‌چنین سبک‌بار به سوی چنین جهانی می‌دویدند؟ چه چیز موجب شد اینان همچنان دویدند و باز هم دویدند و خود را در آغوش شهادت یافتند، تا جایی که حضرت امام خمینی«رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» در وصف آن‌ها فرمود:

*«از شهدا که نمی‌شود چیزی گفت. شهدا شمع محفل دوستان‌اند. شهدا در قهقهه مستانه‌شان در شادی وصول‌شان، عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»اند (*آل‌عمران \ 169) *و از نفوس مطمئنه هستند که مورد خطاب «فَادْخُلي‏ في‏ عِبادي وَ ادْخُلي‏ جَنَّتي‏» پروردگارند. این‌جا صحبت عشق است و عشق، و قلم در ترسیمش بر خود می‌شکافد*.» (صحيفه امام، ج‏21، ص 147)

این است نتیجه دویدن در مسیر گشوده‌ای که رنگ و بوی توحید دارد و خلوت‌نشینان در پی آن هستند، ولی بسیجیان یک شبه آن را یافتند زیرا متوجه تاریخی شدند که با انقلاب اسلامی به ظهور آمده است.